

## بررسی کیفی نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان A Qualitative Investigation of the Role of Family Interactions in the formation of Students' Resilience

Amin Tohidi Sani\*

M.A. in School Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. [amin.tovhidi1998@gmail.com](mailto:amin.tovhidi1998@gmail.com)

Dr. Ebrahim Naeimi

Assistant Professor of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Dr. Javad Khodadadi Sangdeh

Assistant Professor of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

امین توحیدی ثانی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

دکتر ابراهیم نعیمی

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

دکتر جواد خدادادی سنگده

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

### Abstract

The present study aimed to investigate the role of family interactions in the formation of students' resilience by adopting the qualitative approach using phenomenology. The population of the study included all male students of junior high schools in Sabzevar, Iran, during the 2021-22 academic year. The participants were selected using the logic of Targeted Sampling and convenience sampling method. Semi-structured interviews with 12 students continued until theoretical saturation was achieved, and the data were analyzed using Colaizzi's method. The analysis of the data produced by the interviews on the role of family interactions in the formation of students' resilience resulted in the identification of 58 subcomponents and 6 main components including effective verbal interactions, effective emotional interactions, effective methods of family management, effective communicative networks, nurturing life skills by parents, and families' cultural-spiritual interactions. The findings of the study enriched insights concerning the role of family interactions in the formation of students' resilience and provided the necessary context for the development of practical educational programs to increase students' resilience.

**Keywords:** Family interactions, Resilience, Students

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان، به شیوه کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام گرفته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان سبزوار در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. مشارکت کنندگان در این پژوهش، بر مبنای منطق نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته با ۱۲ دانش‌آموز به اشباع نظری رسید و تجزیه و تحلیل یافته‌ها با روش کلایزی انجام گرفت. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در زمینه نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان، منجر به شناسایی ۵۸ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی تحت عنوان «تعامل‌های کلامی مؤثر»، «تعامل‌های هیجانی مؤثر»، «شیوه‌های کارآمد مدیریتی خانواده»، «شبکه‌های ارتباطی مؤثر»، «پرورش مهارت‌های زندگی توسط والدین» و «تعامل‌های فرهنگی-معنوی خانواده» گردید. نتایج حاصل از این پژوهش ضمن افزایش بینش نسبت به نقش تعامل‌های خانواده در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان، زمینه کافی برای تدوین برنامه‌های آموزشی و کاربردی را با هدف افزایش تاب‌آوری دانش‌آموزان فراهم می‌آورد.

**واژه‌های کلیدی:** تعامل‌های خانواده، تاب‌آوری، دانش‌آموزان.

ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۱

پذیرش: آذر ۱۴۰۱

دریافت: مرداد ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

### مقدمه

بهبودی روانشناختی یکی از مسائل مهم در پیشرفت دانش‌آموزان است و در دنیای کنونی توجه به ابعاد مختلف سلامت روانشناختی از اهمیت بالایی برخوردار است (نفر و کریمی، ۱۳۹۸). در دنیای کنونی عموماً نوجوانان با چالش‌ها یا مشکلات روانی، عاطفی و رفتاری متفاوتی مواجه می‌شوند و موانع چندبعدی یا رویدادهای زندگی می‌تواند آن‌ها را در معرض خطر ایجاد حس ناراضی از زندگی قرار دهد که این می‌تواند منجر به پیامدهای منفی سلامت شود و آن‌ها را به بخشی آسیب‌پذیر از جمعیت جوان تبدیل کند (تپر و همکاران، ۲۰۱۲). سازمان بهداشت جهانی نیز تأکید ویژه‌ای بر سلامت روان نوجوانان دارد و اشاره می‌کند که بیش از نیمی از بیماری‌های روانی در دوران

نوجوانی آغاز می‌گردد (سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). بنابراین از آنجا که رضایت از زندگی نوجوان با پیامدهای مهم عاطفی، رفتاری و بهداشتی در دوران بلوغ و زندگی آینده مرتبط است، راهکارهای ارتقا رضایت از زندگی نوجوان، دارای ارزش بالقوه اجتماعی است (آلدريج<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

انسان‌ها در زندگی همواره با چالش‌هایی روبرو می‌گردند که برای سازگاری و پایداری در برابر این چالش‌ها به پایداری و سازگاری احتیاج دارند (پولنتی و فوربس<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). تاب‌آوری یک پیش‌بینی کننده مهم سلامت روان نوجوانان است که در فرایند سازگاری و رشد فردی آن‌ها اثرگذار است و سطح مطلوب تاب‌آوری در نوجوانان منجر به ارتقاء شاخص‌های سلامت روان مثبت در مقابل شاخص‌های منفی می‌گردد (کوناشفسکی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). تاب‌آوری به‌عنوان یک مفهوم مبتنی بر نقاط قوت، به توانایی یک فرد در رشد، موفقیت یا بازگشت به عقب در برابر استرس، موانع یا مشکلات اشاره دارد. افراد تاب آور شایستگی اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، خودمختاری، هدفمندی و آینده‌نگری را نشان می‌دهند (آلدريج و همکاران، ۲۰۲۰). تاب‌آوری، مفهومی در ابعاد تحصیلی، رفتاری و هیجانی است که در محیط مدارس و سایر موقعیت‌های زندگی به‌عنوان یک عامل موفقیت احتمالی بسیار بالا، با وجود سختی‌ها و مشکلات محیطی در نظر گرفته می‌شود (رشیدزاده، ۱۳۹۹). بوث<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) ادعا می‌کند که تاب‌آوری روانشناختی یک ظرفیت پویا برای چگونگی کنترل فشار روانی در فرد است و به‌طور خاص، تاب‌آوری از ویژگی‌های اصلی سلامت روانشناختی است. تاب‌آوری زمانی وجود دارد که فرد از فرآیندها و رفتارهای ذهنی در ارتقای و محافظت از خود در برابر اثرات منفی بالقوه عوامل استرس‌زا استفاده کند (حشمتی<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱). بنابراین، تاب‌آوری می‌تواند به‌عنوان محصول تعامل بین عوامل خطرزا و محافظتی مفهوم‌سازی شود (سلیک<sup>۷</sup>، ۲۰۲۰). اساساً، همه تعاریف تاب‌آوری، یک ویژگی اساسی یعنی توانایی کنار آمدن با استرس را نشان می‌دهند (گری<sup>۸</sup>، ۲۰۱۹). به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، افراد تاب آور دارای ویژگی‌هایی همچون مهارگری درونی، خود پنداره مثبت، خوش‌بینی، مقابله فعال، سرسختی و خودکارآمدی هستند و همچنین افرادی که دارای تاب‌آوری پایین‌تری هستند در معرض مسائلی همچون افسردگی، اضطراب، ناامیدی، خشونت، اختلالات رفتاری، مصرف سیگار، عملکرد تحصیلی ضعیف فعالیت جنسی مهار نشده قرار دارند (نفر و کریمی، ۱۳۹۸). شناخت عوامل حمایت‌کننده در مقابل این علائم می‌تواند در ارتقاء سلامت روان و کارکرد افراد مؤثر باشد لذا ارتقای این عامل حمایت‌کننده مستلزم برنامه‌های پیشگیری یا مداخلات روانشناختی است که می‌تواند در کاهش مشکلات هیجانی مؤثر باشد (فروغی، ۱۳۸۹).

نوع رابطه و تعاملات در خانواده یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری تاب‌آوری است و امروزه مطالعات خانواده به این مسئله می‌پردازد که چگونه خانواده در مقابله و مقاومت افراد در برخورد با عوامل استرس‌زا اثرگذار است (محمودی، ۱۳۹۵). خانواده به‌عنوان یک کانون آرامش، التیام و شفاف‌بخشی مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای انسان بوده و زمینه مناسبی را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و رفع نیازهای عاطفی فراهم می‌نماید (رحیم آقایی و شهبازی، ۱۳۹۴). تعاملات درون خانواده را می‌توان به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر تعبیر کرد؛ به عبارتی کنش و واکنش والدین با فرزندان و ارتباط متقابل فرزندان با والدین نقش مهمی در ایجاد شناخت و رفتار اعضای خانواده دارد (اوروزکو سالیس<sup>۹</sup>، ۲۰۲۱). تعاملات خانوادگی همچنین به‌عنوان یک عامل اثرگذار در فرایند رشدی اعضای خانواده، تعیین‌کننده ماهیت ارتباط دوسویه بین والدین و فرزندان می‌باشد؛ ارتباطی که با در نظر داشتن مجموعه‌ای از قواعد ساختاری، مسئولیت‌ها، قدرت، نقش، و حقوق طرفین را مشخص نموده و در چارچوبی همراه با صمیمیت، استمرار ارتباط موجود و ماندگاری این نهاد اجتماعی را در طول زمان میسر می‌سازد (حبیبی، مظاهری، دهقانی و عاشوری، ۱۳۹۳). بنابراین والدین در ایجاد تاب‌آوری در فرزندان نقش اساسی ایفا می‌کنند و روابط گرم در خانواده برای رشد مطلوب همه فرزندان حتی در صورت عدم قرار گرفتن در معرض وقایع استرس‌زا زندگی مهم است (موریسون و آلن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷).

1 World Health Organization

2 Aldridge

3 Poultney & Forbes

4 Konaszewski

5 Booth

6 Heshmati

7 Szlyk

8 Gray

9 Orozco Solis

10 Morrison & Allen

یکی از اهداف اصلی در حوزه تعلیم و تربیت، سلامت جسم و روان دانش‌آموزان است (دیویدسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ به نقل از سمیعیان، لواسانی و نقش، ۱۳۹۸) و مطالعات مربوط به شناسایی تاب‌آوری که زمینه مواجهه مطلوب‌تر با چالش‌ها را فراهم می‌آورد، از نظر دست‌اندرکاران آموزشی و سیاست‌گذاران از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چنین تحقیقاتی می‌تواند منجر به طراحی برنامه‌های پیشگیری و مداخله گردد. محققان بیشتر علاقه‌مند به کشف استراتژی‌ها و تکنیک‌هایی هستند که ممکن است باعث ایجاد و تقویت تاب‌آوری شوند (عارف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). اگرچه در طول ۲۰ سال گذشته مطالعه تاب‌آوری گسترش قابل‌توجهی یافته است ولی نیاز به پژوهش درباره این موضوع به چند دلیل احساس می‌شود؛ اول اینکه با افزایش پیچیدگی صنعتی جامعه، تعداد افراد در معرض آسیب و مشکلاتی که آن‌ها با آن مواجه می‌شوند نیز افزایش می‌یابد و دوم اینکه، فهم عوامل خطرزا و محافظت‌کننده و چگونگی عملکرد آن‌ها می‌تواند به مداخلات مناسب منجر شود (ایشاک<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). در مجموع، به‌وضوح نیاز به تحقیقات آینده با تمرکز بر آشکار کردن پیچیدگی‌های توسعه ظرفیت‌های دانش‌آموزان برای کنار آمدن مؤثر با عوامل تهدیدآمیز آن‌ها وجود دارد (آندرو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

در نهایت به نظر می‌رسد تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری در مواجهه با مسائل، از اهمیت بخصوصی برای دانش‌آموزان در جهت سازگاری با مشکلات برخوردار است و شناسایی تعاملات خانوادگی که در تاب‌آوری دانش‌آموزان اثرگذار است می‌تواند برنامه‌های مداخله مؤثر مشاوران در مدارس را در جهت رفع مسائل تسهیل کند. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون تاب‌آوری دانش‌آموزان بر مؤلفه‌های مختلف بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد ولی تاکنون با بررسی پیشینه داخلی، پژوهشی به بررسی نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان نپرداخته است لذا به نظر می‌رسد تبیین کیفی و عمیق نقشی که تعامل‌های خانوادگی در تاب‌آوری دانش‌آموزان دارد یکی از ضرورت‌هایی است که می‌تواند نقش مهم تعاملات خانوادگی را در تاب‌آوری دانش‌آموزان روشن کند تا با شناخت عوامل مؤثر بتوان اقدامات مؤثری را در حوزه تعاملات خانواده در جهت افزایش تاب‌آوری دانش‌آموزان انجام داد. از این‌رو پژوهشگر درصدد دستیابی به پاسخ این سؤال است که نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان چگونه است؟

## روش

پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی انجام گرفته است. پدیدارشناسی، یک روش تحقیق کیفی مبتنی بر تولید دانشی در رابطه با تجربه ذهنی شرکت‌کنندگان در پژوهش است (ویلیگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳، ص ۲۰۷). نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان سبزوار در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که بر مبنای منطق نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته با ۱۲ دانش‌آموز به اشباع نظری رسید. در پژوهش پیش‌رو برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شده است؛ در روش تجزیه و تحلیل کلایزی هفت گام تا رسیدن به هدف طی می‌شود. در مرحله اول، متن مصاحبه گرفته‌شده چندین مرتبه خوانده می‌شود تا به احساسی مشترک با مشارکت‌کننده در پژوهش برسیم و در این مرحله افکار و احساس پژوهشگر در رابطه با پدیده مورد نظر بررسی و یادداشت خواهد شد. در مرحله دوم، پس از مطالعه همه توصیف‌های شرکت‌کنندگان، عبارات مهم بیان‌شده توسط مشارکت‌کننده در پژوهش در رابطه با پدیده مورد نظر استخراج خواهد شد. در مرحله سوم که مرحله فرموله کردن مفاهیم است مفهوم عبارات مهم توضیح داده شده و هر عبارت مهم در یک مقوله جای می‌گیرد؛ در مرحله چهارم کلایزی، پژوهشگر مفاهیم تدوین‌شده را به‌دقت مطالعه کرده و بر اساس مشابَهت مفاهیم آن‌ها را دسته‌بندی می‌نماید. در مرحله پنجم، تحلیل تمامی مفاهیم استخراج‌شده انجام و یک توصیف جامع ارائه خواهد شد. مرحله ششم، مانند مرحله قبل است با این تفاوت که دنبال تحلیل جامع نیستیم بلکه در این مرحله به دنبال تقلیل مفاهیم و زدودن توصیفات زائد و نامناسب و اغراق‌آمیز هستیم و در نهایت در مرحله پایانی به دنبال اعتبار یابی نتایج بخشی از ارجاع نتایج به هر مشارکت‌کننده و پرسیدن درباره صحت یافته‌ها برگرفته از تجربیات و احساسات آن‌ها هستیم.

1 Davidson  
 2 Arif  
 3 Ishak  
 4 Andreou  
 5 Willig

## ابزار سنجش

در این پژوهش، به‌منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۲ دانش‌آموز استفاده شده است و در ابتدا از دانش‌آموزان، تعدادی سؤال باز و کلی در رابطه با موضوع مورد پژوهش پرسیده شد تا انجام مصاحبه را تسهیل نماید. مصاحبه‌ها از ۴۰ تا ۶۰ دقیقه و به‌طور میانگین ۵۰ دقیقه به طول انجامید و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. به‌منظور تضمین روایی، رابطه مبتنی بر اعتماد میان پژوهشگر و مصاحبه‌شوندگان برقرار شد. همچنین به‌منظور اطمینان از اعتبار و استحکام تحقیق، معیارهای لینکلن و گوبا<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) بکار گرفته شد. به‌منظور تضمین معتبر بودن یافته‌ها و تأیید پذیری، هر مصاحبه دوباره به مشارکت‌کننده در پژوهش بازگشت داده شده و صحت و وسع داده‌ها سنجیده شده و در صورت هرگونه مغایرت، مراتب مورد توجه و بررسی قرار می‌گرفت. جهت تضمین تصدیق، سعی بر آن شده بود پژوهشگر پیش‌فرض‌های خود را در فرایند مصاحبه و استخراج مضامین دخالت ندهد. جهت تضمین اطمینان‌پذیری و کفایت یافته‌ها، روش بازنگری ناظران، در قالب استفاده از نظرات تکمیلی اساتید راهنما و مشاور مورد استفاده قرار گرفت. جهت قابلیت تعمیم و انتقال‌پذیری یافته‌ها ضمن نمونه‌گیری هدفمند سعی بر آن شد نمونه‌های مورد مطالعه از مدارس با سطوح متفاوت باشد.

به منظور اجرای پژوهش، با کسب مجوزهای لازم و با توجه به اطلاعات پرونده مشاوره‌ای دانش‌آموزان و اطلاعات زمینه‌ای، مشارکت‌کنندگان در پژوهش برای مصاحبه انتخاب شدند تا در زمینه مورد پژوهش اطلاعات لازم را در اختیار پژوهشگر قرار دهند؛ بدین منظور ابتدا ضمن انجام مصاحبه اولیه با دانش‌آموزان در زمینه مورد پژوهش و در صورت داشتن ملاک‌های لازم، در گفتگویی کوتاه با دانش‌آموز، مسائل رازداری و رضایت آگاهانه شرح داده شد و در صورت تمایل دانش‌آموز برای شرکت در مصاحبه، زمانی به‌صورت توافقی برای مصاحبه در مدرسه تعیین شد تا در زمان مقرر از دانش‌آموز مصاحبه به عمل آید. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌ها ضبط شدند و در پایان توسط پژوهشگر به‌صورت مکتوب درآمدند. اصلی‌ترین سؤال مصاحبه در پژوهش حاضر این بود که «خانواده چطور زمینه رویارویی مؤثرتر شما با چالش‌ها را فراهم می‌کند؟» و بدین‌صورت ابتدا از طریق سؤالاتی باز و کلی به‌عنوان نمونه «چند مورد از سختی‌ها، مسئله‌ها یا هر چیزی که برای شما به‌عنوان چالش بوده است را بفرمایید؟» و «چه چیزی باعث شد از این چالش‌ها عبور کنید و از پس آن‌ها بربیایید؟» و «خانواده چطور به شما توانست کمک کند تا از این چالش‌ها عبور کنید؟» زمینه لازم برای وارد شدن دانش‌آموز به موضوع فراهم گردید و سپس به‌طور مشخص نقش خانواده و تعاملات خانوادگی در ابعاد مختلف شناسایی شده در مصاحبه توسط پژوهشگر، مورد تأکید و کاوش پژوهشگر در راستای شناسایی عوامل شکل‌دهنده تاب‌آوری قرار گرفت.

## یافته‌ها

نتایج داده‌های حاصل از تحلیل جلسات مصاحبه با ۱۲ دانش‌آموز مقطع متوسطه اول در جهت نمایان ساختن نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان منجر به شناسایی ۶ مقوله اصلی و ۵۸ مقوله فرعی گردید که در جدول ۲ آمده است. یافته‌های پژوهش در ذیل ۶ مقوله تعامل‌های کلامی مؤثر، تعامل‌های هیجانی مؤثر، شیوه‌های کارآمد مدیریتی خانواده، شبکه‌های ارتباطی مؤثر، پرورش مهارت‌های زندگی توسط والدین، تعامل‌های فرهنگی - معنوی خانواده آمده است. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	پایه	تعداد اعضای خانواده	شغل مادر	تحصیلات مادر	شغل پدر	تحصیلات پدر
۱	۱۵	نهم	۶	خانه‌دار	پنجم ابتدایی	کشاورز	سوم راهنمایی
۲	۱۵	نهم	۵	کشاورز	سوم راهنمایی	کشاورز	دیپلم
۳	۱۶	نهم	۶	خانه‌دار	بدون سواد	دامدار	پنجم ابتدایی
۴	۱۳	هفتم	۴	خیاط	دیپلم	نجار	دیپلم
۵	۱۴	هشتم	۵	پرستار سالمندان	پنجم ابتدایی	راننده	سوم راهنمایی

لیسانس	معلم	فوق لیسانس	معلم	۴	نهم	۱۵	۶
لیسانس	کارمند کارخانه	دیپلم	خانه‌دار	۴	نهم	۱۶	۷
بدون سواد	کارگر معدن	سوم راهنمایی	قالی‌باف	۷	هفتم	۱۳	۸
سوم راهنمایی	کشاورز	سوم راهنمایی	کشاورز	۵	هفتم	۱۳	۹
فوق لیسانس	معلم	لیسانس	معلم	۴	هشتم	۱۴	۱۰
دیپلم	دامدار	پنجم ابتدایی	دامدار	۶	هشتم	۱۴	۱۱
فوق دیپلم	کارمند شهرداری	دیپلم	خانه‌دار	۴	نهم	۱۴	۱۲

همانطور که در جدول یک ملاحظه می‌شود تمامی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه به تفصیل گزارش شده است.

### جدول ۲: نتایج حاصل از مصاحبه نیمه ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
تعامل‌های کلامی مؤثر	تفاهم سریع
	وجود فضای مشورتی در خانواده
	راهنمایی فرزندان توسط والدین
	گفت و گوهای درونی مثبت
	پذیرش توسط والدین
	میانجیگری مؤثر اعضای خانواده
	باز خورد دادن به فرزندان
	گوش دادن مؤثر
	صرف وقت با اعضای خانواده
	حمایت والدین
تعامل‌های هیجانی مؤثر	همدلی والدین
	صمیمیت والدین
	محبت به فرزندان
	صمیمیت پدر و مادر
	رفتار گرم خانواده
	حمایت همشیرها
	درک متقابل والدین
	ایراز احساسات
	شبکه خویشاوندی
	شبکه همسالان
شبکه‌های ارتباطی مؤثر	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی
	صرف وقت با اعضای خانواده
	احترام بین فردی به والدین
	داشتن الگوی مؤثر
	قواعد مشخص در سیستم خانواده
	واگذاری نقش مسئولیتی به فرزندان
	عدم تبعیض بین فرزندان
	سبک فرزندپروری مقتدرانه
	اعمال محدودیت‌های معقول والدین

انتظارات منطقی والدین	شیوه‌های کارآمد مدیریتی خانواده
پیگیری امور فرزندان	
به روز کردن اطلاعات تربیتی	
نظارت گری والدین	
نقش اعتماد بین فرزندان و والدین	
کار گروهی اعضای خانواده	
اجتماعی بودن	
توجه به تحصیل	
استقلال فرزندان	
پرورش مهارت تصمیم‌گیری	
ایجاد قناعت در فرزندان	پرورش مهارت‌های زندگی توسط والدین
رفع به موقع چالش‌های فرزندان	
توجه به نیازهای نوجوان	
الگوهای موثر خانوادگی	
عدم دخالت خانواده در امور جزئی	
در نظر گرفتن توانایی‌های فردی	
انتظارات متعادل	
عدم نازپروردگی	
منبع کنترل درونی	
فرصت تجربه جدید	
القای حس استقلال در فرزندان	تعامل‌های فرهنگی - معنوی خانواده
القای حس وظیفه‌شناسی در فرزندان	
ایجاد حس تعهد در فرزندان	
توجه به ارزش‌های دینی در خانواده	
حمایت معنوی	
شرکت در امور فرهنگی	
انجام تکالیف مذهبی	
ایمان به خدا	
کمک به جامعه	

اولین مقوله اصلی به دست آمده در نقش تعامل‌های خانوادگی در تاب‌آوری دانش‌آموزان، تحت عنوان تعامل‌های کلامی مؤثر شناسایی شد. مقوله‌های فرعی تفاهم سریع، وجود فضای مشورتی در خانواده، راهنمایی فرزندان توسط والدین، گفت‌وگوهای درونی مثبت، پذیرش توسط والدین، میانجیگری مؤثر اعضای خانواده، بازخورد دادن به فرزندان، گوش دادن مؤثر و صرف وقت با اعضای خانواده در مقوله تعامل‌های کلامی مؤثر طبقه‌بندی شده است. در ادامه نمونه اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است: وجود فضای مشورتی در خانواده «خیلی زمان‌ها به مشکلاتی پیش آمده که اگه با پدرم صحبت نمی‌کردم و ازش کمک نمی‌گرفتم کلاً ممکن بود به کار اشتباهی انجام بدم» (مشارکت‌کننده شماره ۸)، گفت و گوهای درونی مثبت «اگرم زمانی مشکلی پیش اومده کلاً مثبتم و غر غر نمیکنم البته پدر و مادرم همینطورن و خب اینجوریم بنظرم از خیلی چیزها رد میشم» (مشارکت‌کننده شماره ۲)، پذیرش توسط والدین «قضاوتن نمیکنن و این خیلی خوبه» (مشارکت‌کننده شماره ۱۰)، میانجیگری مؤثر اعضای خانواده «اگه موقعی هم مشکلی پیش اومده و مثلاً من با پدر و مادر دعوا شده معمولاً یکی تو خونه هست که بیاد مشکلو حلش کنه چون بالاخره الان که دارم فکر میکنم میبینم زیاد تا الان اینجوری شده و سر

خیلی چیزای الکی زیاد بحثمون شده» (مشارکت کننده شماره ۹)، گوش دادن موثر «آگه نظری یا حرفی دارم میزبان حرفمو بزمن و نظر خودمو بدم» (مشارکت کننده شماره ۶).

مقوله اصلی دوم به عوامل هیجانی موجود در تعامل‌های درون خانواده مرتبط شد. عوامل هیجانی مرتبط با تاب‌آوری شامل موارد حمایت والدین، همدلی والدین، صمیمیت والدین، محبت به فرزندان، صمیمیت پدر و مادر، رفتار گرم خانواده، حمایت همشیره‌ها، درک متقابل والدین، ابراز احساسات که در نمونه‌های شناسایی شده در تاب‌آوری دانش آموزان مورد تأکید بوده است که به مصادیقی از آن‌ها اشاره می‌گردد: همدلی والدین «بابام همیشه حمایتم میکنه و مشکلی پیش میاد حتما باهاش صحبت میکنم» (مشارکت کننده شماره ۶)، محبت به فرزندان «سر هر قضیه ای که باشه خیلی هوامو تو خونه دارن» (مشارکت کننده شماره ۴)، رفتار گرم خانواده «ما به خانواده خونگرمی داریم و کلا برا همین هم خیلی با هم خوبیم و هم با بقیه» (مشارکت کننده شماره ۱۰)، حمایت همشیره‌ها «بیشتر وقتا که چیزی تو دلمه با برادرم صحبت میکنم» (مشارکت کننده شماره ۴)، درک متقابل والدین «وقتی شده که با پدر و مادر جر و بحث میکنم ولی خیلی سر به سرم نمیزارن و به جوری تموم میشه» (مشارکت کننده شماره ۴)، ابراز احساسات «تو خونه همیشه یکی هست حرفو بشنوه وقتی به چیزی پیش میاد» (مشارکت کننده شماره ۳).

مقوله اصلی سوم به نقش شبکه‌های ارتباطی دانش‌آموز در خانواده مربوط شد. هر شخصی در بافت خانوادگی خود با افراد مختلفی ارتباط دارد که هر کدام به‌گونه‌ای ممکن است تاب‌آوری او را تحت تأثیر قرار دهند. مسائلی همچون شبکه خویشاوندی، شبکه همسالان، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، صرف وقت با اعضای خانواده، احترام بین فردی به والدین و نقش الگوی مؤثر مقوله‌های فرعی را شکل دادند. نمونه‌هایی از مصادیق مشارکت‌کنندگان در رابطه با این مقوله ارائه شده است: شبکه خویشاوندی «ارتباط‌ها فامیلی ما با بقیه آشناها خیلی خوبه و وقتی یکی به چیزیش میشه و نمودنم یکی حتی مریضم بشه خیلیا بفکرن و کمک میکنن و زنگ میزنن و خدا رو شکر فک میکنی همیشه یکی هست» (مشارکت کننده شماره ۳)، شبکه همسالان «بیشتر موقعایی که مشکلی برام بوجود میاد با یکی از دوستانم صحبت میکنم» (مشارکت کننده شماره ۴)، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی «کارا جهادی رو زیاد دوست دارم و با دوستای صمیمی خودم میریم اونجا هم از کار لذت میبریم و هم از دورهمی با دوستا و هم اینکه دوستای جدیدی پیدا میکنیم» (مشارکت کننده شماره ۵)، داشتن الگوی مؤثر «داداشم الان بزرگه و اون معلم شده و امسال اولین ساله که دیگه معلم شده، خیلی بهم کمک میکنه و سعی میکنم مثل اون باشم و دوست دارم مثل اون معلم بشم» (مشارکت کننده شماره ۳).

مسائل مرتبط با نحوه مدیریت خانواده و شیوه‌های به کار بسته توسط والدین در سیستم خانواده و نحوه اثرگذاری این عوامل بر تاب‌آوری فرزندان مقوله اصلی چهارم را شکل دادند. مسائلی همچون قواعد مشخص در سیستم خانواده، واگذاری نقش مسئولیتی به فرزندان، عدم تبعیض بین فرزندان، سبک فرزندپروری مقتدرانه، اعمال محدودیت‌های معقول والدین، انتظارات منطقی والدین، پیگیری امور فرزندان، به‌روز کردن اطلاعات تربیتی، نظارت گری والدین، اعتماد بین فرزندان و والدین، کار گروهی اعضای خانواده، اجتماعی بودن و توجه به تحصیل مقوله‌های فرعی را پدید آوردند. در ادامه نمونه اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است: قواعد مشخص در سیستم خانواده «خونه ما کلا به سری قانونا داره که همه به جورایی بهش عادت کردیم و اینجور نیس هر کس هر کار دلش میخواد کنه و معمولاً سر وقت میخواییم و سر وقتم بیدار میشیم و رفت و آمدمونم همینجور البته اونجور سخت نمیگیرنا ولی ول هم نیستیم» (مشارکت کننده شماره ۱۲)، واگذاری نقش مسئولیتی به فرزندان «تو کارای کشاورزی همیشه به بابام کمک میکنم و وقتی که میام مدرسه بابام کارای کشاورزی رو انجام میده و منم با خودم میگم باید تو مدرسه با درس خوندن جواب اعتمادشو بدم» (مشارکت کننده شماره ۹)، سبک فرزندپروری مقتدرانه «تو خانواده وقتی پدر یا مادرم میگن این کارو نکن وقتی به ذره میشینم فکر میکنم میبینم اینا هر چی میگن برا خودم میگن و خوب منو میخوان» (مشارکت کننده شماره ۸)، انتظارات منطقی والدین «پدرم میگه تو تلاشتو در درس‌ها انجام بده و بقیشو به خدا بسپر» (مشارکت کننده شماره ۶)، نظارت گری والدین «توی خونه ما خیلی گیر نمیدن مثلاً کجا میری بیرون یا میری کی میای و ازین چیزا نیست ولی حواسشون هست به کارامون» (مشارکت کننده شماره ۴).

پنجمین مقوله به دست آمده به مهارت‌هایی اشاره دارد که والدین در ایجاد آن در محیط خانواده نقش ایفا می‌کنند و این مهارت‌ها به فرزند در جهت رویارویی مؤثر با چالش‌ها کمک می‌کند. مقوله‌های فرعی این مقوله مواردی را همچون استقلال فرزندان، پرورش مهارت تصمیم‌گیری، ایجاد فناعت در فرزندان، رفع به‌موقع چالش‌های فرزندان، توجه به نیازهای نوجوان، الگوهای مؤثر خانوادگی، عدم دخالت خانواده در امور جزئی، در نظر گرفتن توانایی‌های فردی، انتظارات متعادل، عدم نازپروردگی، منبع کنترل درونی، فرصت تجربه جدید، القای حس استقلال در فرزندان، القای حس وظیفه‌شناسی در فرزندان، ایجاد حس تعهد در فرزندان شامل می‌شود. در ادامه نمونه اظهارات

مشارکت‌کنندگان بیان شده است: پرورش مهارت تصمیم‌گیری «بیشتر وقتا که میریم خرید یا هر چیز دیگه ای به خودم میگن انتخاب کن» (مشارکت کننده شماره ۱۲)، الگوهای موثر خانوادگی «مادر و خواهر بزرگترم کلا اینجورین که مشکلی اگه به وقتم بوجود بیاد جدیش نمیگرن و منم همینجوریم و کلا از اول اینجوری بودم که هر چیزی رو خیلی جدی نمیگیرم و همه چیو راحت و به خنده و شوخی میگیرم و میگن هر چی پیش آید خوش آید ما که خندان میرویم» (مشارکت کننده شماره ۱۲)، عدم دخالت خانواده در امور جزئی «ما خانواده پر جمعیتی هستیم و پدر و مادر خیلی دخالت نمیکنن تو چیزا کوچیک و خودمون کارامونو باید جلو ببریم» (مشارکت کننده شماره ۳)، در نظرگرفتن توانایی‌های فردی «پدرم بهم میگه خودت توانایی جلو بردن کاراتو داری» (مشارکت کننده شماره ۶)، عدم نازپروردگی «تو خونواده بهم میگن تو ته تغاری هستی و توی خوبی و راحتی بزرگ شدی و الان یه داداش دارم که ۲ و ۳ سالی از من بزرگتره و اون خیلی سختی بیشتری از من تحمل کرده» (مشارکت کننده شماره ۱۱)، فرصت تجربه جدید «معمولا خانواده طوری هستن منو میفرستن تابستونا سر کار حالا یا میرم مکانیکی یا کابینت سازی و بابام میگه میری لااقل یه چیز جدیدی یاد میگیری بهتر از اینه بشینی تو خونه» (مشارکت کننده شماره ۷).

در نهایت مقوله ششم، تعامل‌های فرهنگی - معنوی را در برمی‌گیرد که در خانواده به‌نوبه خود موجب می‌گردد فرزندان آمادگی روبرو شدن با چالش‌ها را داشته باشند. مقوله‌های فرعی را مواردی همچون توجه به ارزش‌های دینی در خانواده، حمایت معنوی، شرکت در امور فرهنگی، انجام تکالیف مذهبی، ایمان به خدا و کمک به جامعه تشکیل می‌دهند. در ادامه به نمونه‌هایی از مصادیق مورد اشاره مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره می‌شود: حمایت معنوی «مادرم همیشه مثل یه حامی پشتمه و برام دعا میکنه» (مشارکت کننده شماره ۱۱)، شرکت در امور فرهنگی «وقتی کوچک تر بودم همیشه میرفتیم با خانواده مسجد و اونجا به مناسبت‌های مختلف با بقیه کمک میکردیم و توی مدرسه هم همینطور کارای مختلف کمک میکنم» (مشارکت کننده شماره ۶)، انجام تکالیف مذهبی «تو خانواده ما هم پدر و مادرم و هم بچه‌ها کلا مقید هستیم به نماز و روزه» (مشارکت کننده شماره ۹)، ایمان به خدا «همیشه وقتی مشکلی برام بوجود اومده مادرم بهم میگه نگران نباش خدا درست میکنه اصلا همین جملش انگار به آرامشی داره و خدا همیشه پشت و پناه آدمه» (مشارکت کننده شماره ۱)، کمک به جامعه «زیاد پیش اومده دست بقیه رو در حد وسعمن بگیریم» (مشارکت کننده شماره ۱۰).

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر، شناسایی نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان بود. یافته‌های حاصل از این مطالعه شامل تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با ۱۲ دانش‌آموز پسر مقطع متوسطه اول شهرستان سبزوار بود که در مقوله‌های اصلی و فرعی دسته‌بندی شدند. این یافته‌ها به ارائه بینشی عمیق در رابطه با نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان می‌پردازد. تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته در زمینه نقش تعامل‌های خانوادگی در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان منجر به شناسایی شش مقوله اصلی شد که عبارت‌اند از: (۱) تعامل‌های کلامی مؤثر، (۲) تعامل‌های هیجانی مؤثر، (۳) شیوه‌های کارآمد مدیریتی خانواده، (۴) شبکه‌های ارتباطی مؤثر، (۵) پرورش مهارت‌های زندگی توسط والدین، (۶) تعامل‌های فرهنگی - معنوی خانواده. اولین مقوله شناسایی شده در این پژوهش به نقش تعامل‌های کلامی موجود در محیط خانواده اشاره دارد. یافته این پژوهش هماهنگ است با مطالعه خرمایی، اکبری، صدری و نیرومند (۱۳۹۴) که نشان دادند بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و جهت‌گیری گفت‌ووشنود در خانواده با تاب‌آوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته صبری، فولادچنگ، دهاقانی و گلزار (۱۳۹۳) که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار جهت‌گیری گفت‌ووشنود، هوش هیجانی و تاب‌آوری است و همچنین مطالعه نجفی و ضرغامی (۱۳۹۴) نیز اشاره به این مطلب دارد که در بین ابعاد الگوهای ارتباط خانوادگی (جهت‌گیری همنوایی و جهت‌گیری گفت‌ووشنود) تنها مؤلفه گفت‌ووشنود با تاب‌آوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین تعامل‌های کلامی مؤثر بر تاب‌آوری دانش‌آموزان می‌توان اشاره کرد که گفتگوی مؤثر در خانواده، یکی از مهم‌ترین مهارت‌های مؤثر در شکل‌گرفتن تاب‌آوری دانش‌آموزان و نوجوانان است. اهمیت ارتباط کلامی در تربیت و رشد فرزند از همان ابتدای دوران کودکی شروع می‌شود و والدین نباید از آن غافل شوند. مهارت گفت‌وگو مهم‌ترین اصل برای برقراری ارتباط است و سخن گفتن اعضای خانواده با یکدیگر از جمله عواملی به شمار می‌رود که استحکام خانواده را به وجود می‌آورد و قطع ارتباط کلامی در خانواده یا کم شدن آن ارتباط معناداری با افزایش ناراحتی‌های روحی در میان افراد خانواده دارد. تعاملات کلامی شامل توانایی توجه به آنچه دیگران دارند فکر می‌کنند و انجام می‌دهند می‌باشد. گفتگو بین اعضاء خانواده باعث انتقال تجربه، دانش و فرهنگ بومی به فرزندان



می‌گردد و ایجاد فرصت‌های کافی و مناسب برای گفتگو در درون خانواده و استفاده از این فرصت‌ها در کنار یکدیگر و به‌کارگیری ظرفیت‌های بالقوه موجود، موجب تعمیق روابط و نزدیکی در درون خانواده می‌گردد. گفت‌ووشنود دو بُعد از تعاملات خانوادگی است که در مبحث همنوایی خانوادگی نیز حائز اهمیت است؛ این مفهوم شرایطی را فراهم می‌آورد تا در آن تمامی اعضای خانواده به مشارکت و تعامل تشویق شوند و بسیاری از تحقیقات نیز گفت‌ووشنود در درون خانواده را پیش‌بینی کننده مثبت تاب‌آوری می‌دانند.

یافته دیگر این پژوهش به نقش هیجان‌ات در شکل‌گیری تاب‌آوری اشاره دارد. نتایج این پژوهش هماهنگ است با مطالعه سوری، امرایی، ناصری نیا و مرادنژاد (۱۳۹۹) که نشان دادند تاب‌آوری افزایش جو عاطفی مثبت خانواده را در پی دارد و جو عاطفی خانواده نیز زمینه لازم را برای برخوردار شدن از سطوح بالاتر شادکامی فراهم می‌آورد. همچنین مطابق یافته بای و رپتی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) تعاملات خانوادگی گرم و حمایت‌کننده از طریق تأثیر جمعی خود بر سیستم‌های پاسخ استرس عاطفی و فیزیولوژیکی کودکان، تاب‌آوری را تقویت می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش اوروزکو سالیس (۲۰۲۱) حاکی از آن است که محیط خانواده اصلی‌ترین عاملی است که نحوه کنار آمدن نوجوانان با ناملایمات را شکل می‌دهد. در تبیین این مقوله می‌توان اشاره کرد که فضای صمیمی بین اعضا خانواده حس پشتیبانی و حمایت از یکدیگر در خانواده را تقویت می‌کند؛ بدین‌صورت که موجب کاهش احساس تنهایی و افزایش قوت قلب، روحیه‌گفتمان و ارتباط با اجتماع می‌شود. تعاملات هیجانی درون خانواده بسیار حیاتی است؛ زیرا افراد خانواده را قادر می‌سازد، تا نیازها و خواسته‌ها و نگرانی‌هایشان را ابراز کنند و همچنین تعاملات صادقانه فضایی را به وجود می‌آورد که به اعضای خانواده اجازه می‌دهد تا در مواجهه با یک مسئله یا مشکل پایداری نموده و از پس آن بربایند. تعاملات عاطفی بین والدین از جهات مختلف کل مجموعه خانواده را تحت تأثیر قرار داده و مهارت‌های حل مسئله فرزندان، توانایی آن‌ها برای ارتباط با همسالان و سطح روابط عاطفی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. حمایت اعضای خانواده از یکدیگر منجر به پایین آمدن سطح استرس و بالا رفتن توانایی و تاب‌آوری اعضای خانواده در مواجهه با مشکلات می‌شود که از جمله عوامل حمایتی برای حفظ انسجام و بنیان خانواده نیز هست. سلامت عاطفی و هیجانی در بین اعضای خانواده جزء عوامل اساسی حمایتی در افزایش تاب‌آوری در سیستم‌های خانواده است و به معنای توانایی قبول خود و دیگران و سازگاری و کنترل عواطف و ابراز هیجان‌ات به نحوه مناسب می‌تواند باشد.

شیوه‌های کارآمد مدیریتی خانواده به‌عنوان یافته دیگر این پژوهش به نقش مهم نحوه مدیریت خانواده در شکل‌دهی تاب‌آوری اشاره دارد. نتایج این پژوهش هماهنگ است با مطالعه مهدوی مزده، حجازی و نقش (۱۳۹۷) در حوزه تاب‌آوری نوجوانان، که به این نکته اشاره دارد که خانواده و مؤلفه‌های آن از جمله سبک‌های والدینی و همسو بودن سبک‌های والدینی در جهت برطرف کردن نیازهای بنیادین روانشناختی موجب افزایش تاب‌آوری می‌شود. همچنین در مطالعه‌ای که میرزا محمدی، محسن زاده و عارفی (۱۳۹۵) انجام دادند نیز رابطه مستقیم و معناداری را بین سبک‌های فرزند پروری والدین و تاب‌آوری دانش‌آموزان شناسایی کردند. می‌توان این‌گونه تبیین کرد که تاب‌آوری فرزندان می‌تواند ریشه در مدیریتی داشته باشد که بر فضای خانواده حاکم می‌شود و اعضا با نحوه مدیریتی که در خانواده اعمال می‌گردد؛ از یکدیگر تأثیرپذیرند. بر اساس شیوه مدیریت و سازماندهی خانواده، تاب‌آوری اعضای خانواده و فرزندان شکل می‌گیرد و بالندگی، رشد و تاب‌آوری اعضای خانواده و بهبود شیوه مدیریتی آن موجب تحول مثبت و تاب‌آوری خواهد بود. سازماندهی و سبک مدیریتی خانواده یکی از ویژگی‌های مهم توانمندسازی خانواده‌های تاب آور است که ساختار خانواده‌ها در این زمینه نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و در واقع ساختار خانواده از یک زاویه خاص باید شناور و سیال عمل کند و خانواده‌ای که ساختار سفت و سختی داشته باشد به‌گونه‌ای که نتواند تغییرات را در خود جذب و متعادل کند دچار مشکل می‌گردد و ساختار خانواده باید به صورتی باشد که اعضای آن توانایی مواجهه با چالش‌ها را داشته باشد.

مقوله شناسایی شده دیگر در این پژوهش به نقش شبکه‌های ارتباطی پیرامون فرد و نقش آن در تاب‌آوری اشاره دارد. نتایج این پژوهش هماهنگ است با مطالعه (ترو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷) که نشان داد نوجوانان و بزرگسالان به نقش پشتیبانی‌های سیستماتیک (به‌عنوان مثال، حمایت خانواده، حمایت همسالان، حمایت جامعه، حمایت‌های مبتنی بر ایمان، آموزش) در ایجاد تاب‌آوری اشاره کردند. علاوه بر این در پژوهش استوارت و سان<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) نیز اشاره شده است که ارائه حمایت بزرگسالان و همسالان از دانش‌آموزان علی‌الخصوص در سنین دبستان نیز یک استراتژی حیاتی در ارتقای تاب‌آوری و سلامت عمومی دانش‌آموزان است. در تبیین نقش شبکه‌های ارتباطی مؤثر بر تاب‌آوری دانش

1 Bai &amp; Repetti

2 Theron

3 Stewart &amp; Sun

آموزان می‌توان گفت که در دوران نوجوانی، همسالان مهم‌ترین نقش را در فرآیند اجتماعی شدن فرد بازی می‌کنند و در این میان روابط با همسالان عامل مهمی در تاب‌آوری محسوب می‌شود و همسالان قادرند ارزش‌های اجتماعی را به یکدیگر انتقال دهند و نقطه اتکابی برای یافتن استقلال و از بین بردن خودمداری باشند. بنابراین جدایی و دور شدن دانش‌آموزان از همسالان خود موجب خدشه به مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و کاهش تاب‌آوری می‌گردد. تاب‌آوری با روابط حمایتی والدین، همسالان و دیگران به افراد برای مقابله با ضربه‌های غیرقابل اجتناب زندگی کمک می‌کند. پژوهش‌ها بر روی کودکان و جوانان تاب‌آور به کرات نشان داده است که اگر یکی از والدین، ناتوان یا غایب باشد، اطرافیان دیگر می‌توانند در زندگی جوان نقش توانمندسازی را ایفا کنند که این افراد می‌توانند پدربزرگ یا مادر بزرگ، برادران و خواهران بزرگتر، مراقبین کودک، همسالان مسئول و دلسوز، معلمان، راهنمایان مسن‌تر و یا مددکاران جوانان باشند. در بسیاری جوامع، شاید معقول‌تر آن است که به‌جای استفاده از روند دست و پاگیر اداری که از افراد غریبه در ارائه خدمات تاب‌آوری استفاده می‌شود، از روابط غیررسمی از میان خویشاوندان و نزدیکان جوان یا کودک استفاده نمود.

پرورش مهارت‌های زندگی توسط والدین به یافته دیگر این پژوهش اشاره دارد که در شکل‌دهی تاب‌آوری دانش‌آموزان نقش دارد. نتایج این پژوهش هماهنگ است با مطالعه پورسلیمان و اصغرنژاد فرید (۱۳۹۹) که نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی به‌طور معناداری تاب‌آوری نوجوانان را افزایش داده است. همچنین در پژوهش سلم‌آبادی، رضایی و صفری (۱۳۹۴) اشاره شده است که آموزش مهارت‌های زندگی بر تاب‌آوری کودکان ابتدایی مؤثر است. این یافته تأییدی است بر اثربخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی در ارتقاء تاب‌آوری کودکان ابتدایی که با یافته‌های پژوهش‌های پیشین نیز همسو می‌باشد. در تبیین نقشی که توسط والدین در پرورش مهارت‌های زندگی به‌منظور تاب‌آوری می‌شود به این اشاره کرد که برای تاب آور بودن آموزش عواملی چون آموزش و اکتساب مهارت‌های زندگی در طی دوره رشد فرزند ضروری است. افراد تاب آور دارای مهارت‌هایی هستند که همگی جزو مهارت‌های زندگی می‌باشند و فرد نه تنها در برابر ناملایمات بلکه در زندگی روزمره خود قادر است با به‌کارگیری این مهارت‌ها مسیر رشدی خود را به‌خوبی طی کند و همان‌گونه که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بدان اشاره داشته‌اند والدین با اقدامات خود از ابتدای کودکی نقش بسیار مهمی را در شکل‌گیری این مهارت‌ها در فرزندان ایفا می‌کنند و در نتیجه دانش‌آموز چنانچه این مهارت‌ها را کسب نموده باشد در جامعه، مدرسه و هر محیطی و در برابر ناملایمات قادر است مقاومت کند.

در نهایت تعاملات فرهنگی- معنوی در خانواده به‌عنوان یافته دیگری از این پژوهش به نقش فرهنگ و معنویت در تاب‌آوری دانش‌آموزان اشاره دارد. نتایج این پژوهش هماهنگ است با مطالعه هاشمی و جوکار (۱۳۹۰) که در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که یکی از متغیرهای مرتبط با تاب‌آوری، معنویت و مذهب می‌باشد. در تبیین نقشی که معنویت و تعاملات فرهنگی- معنوی خانواده قادر است در تاب‌آوری داشته باشد می‌توان اشاره کرد که سیستم اعتقادی خانواده کلید مهمی برای تاب‌آوری محسوب می‌شود و یکی از سیستم‌های اعتقادی، ارزش‌های خاصی است که منجر به افزایش تاب‌آوری می‌شوند و به عبارتی سیستم‌های اعتقادی در واقع یک نوع خط‌مشی به خانواده‌ها ارائه می‌دهد. سیستم اعتقادی موجود در خانواده‌ها باعث ایجاد وحدت شده و این حس مشترک باعث می‌شود که در موقعیت‌های مختلف به‌درستی عمل کنند و این درک و تعهد و حس مشترک اولویت‌های خانواده را معین می‌کند. توافق و پذیرش ارزش‌های اصلی سیستم اعتقادی از سوی خانواده‌ها اعضای خانواده را در سایه تاب‌آوری به‌راحتی و با موفقیت از چالش‌ها عبور می‌دهد. در واقع سیستم اعتقادی روشن‌گر و انسجام‌بخش گذر از شرایط ناهموار و انواع چالش‌هاست.

در نهایت یافته‌های حاصل از این پژوهش اهمیت تاب‌آوری دانش‌آموزان و نقش با اهمیت تعامل‌های خانواده در ابعاد شناسایی شده را در شکل‌دهی تاب‌آوری تبیین می‌کند؛ بر این اساس، به‌منظور تعمیم‌پذیری نتایج و روشن شدن ابعاد گوناگون برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد با توجه به آنکه پژوهش حاضر به ۶ مقوله اصلی و ۵۸ مقوله فرعی در نقش تعامل‌های خانواده در شکل‌گیری تاب‌آوری دانش‌آموزان رسیده است؛ این مقوله‌ها می‌توانند به شیوه کمی مورد مطالعه قرار گیرند تا نتایج این پژوهش کیفی مورد تأیید قرار گیرد. همچنین عمده پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه تاب‌آوری در کشور، متمرکز بر شیوه‌های پژوهش کمی است؛ لذا به‌منظور تعمیق یافته‌ها توصیه می‌گردد بیش از پیش مفاهیم مرتبط با تاب‌آوری به شیوه کیفی مورد مطالعه قرار گیرد.

- پورسلیمان، س و اصغر نژاد فرید، ع. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر مدیریت خشم و تاب‌آوری نوجوانان، *نشریه خانواده درمانی کاربردی*، (۲)، ۱۲۴-۱۰۵. <https://doi.org/10.22034/aftj.2020.118745>
- حبیبی، م؛ مظاهری، م؛ دهقانی، س و عاشوری، ا. (۱۳۹۳). هنجاریابی و ساختار عاملی مقیاس تعاملات خانوادگی (FCS) و رضایت خانوادگی (FSS): در خانواده‌های ایرانی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۳۹)، ۳۱۳-۳۲۹. [https://jfr.sbu.ac.ir/article\\_96516.html](https://jfr.sbu.ac.ir/article_96516.html)
- خرمایبی، ف؛ اکبری، ع؛ صدری، م و نیرومند، ح. (۱۳۹۴). پیش‌بینی شادکامی بر اساس ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با واسطه‌گری تاب‌آوری در دانش‌آموزان، *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۲(۲۱): ۸۲-۶۳. [https://jeps.usb.ac.ir/article\\_2154\\_12.html](https://jeps.usb.ac.ir/article_2154_12.html)
- رحیم‌آقایی، ف و شهبازی، ع. (۱۳۹۴). رابطه بین مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده با مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، *دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی*، تهران. <https://civilica.com/doc/390568>
- رشید زاده، عبدالله (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش برنامه مبتنی بر معنویت و آموزه‌های اسلامی بر اضطراب و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان، *نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵(۱۴): ۷-۳۴. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.25883151.1399.5.1.3.4>
- سلم‌آبادی، م؛ رضایی، ر و صفری، ه. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش تاب‌آوری کودکان پسر ابتدایی، *همایش ملی آموزش ابتدایی*، تهران. <https://www.sid.ir/paper/857075/fa>
- سمیعیان، س؛ غلامعلی لوسانی، م و نقش، ز. (۱۳۹۸). رابطه بین خودتنظیمی هیجانی، ادراک از محیط یادگیری و تاب‌آوری تحصیلی: کاربرد مدل یابی دوسطحی دانش‌آموز و کلاس، *مجله پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۰(۳): ۱۱۹-۱۳۲. [https://journal.ut.ac.ir/article\\_73280.html](https://journal.ut.ac.ir/article_73280.html)
- سوری، ح؛ امرایی، ک؛ ناصری‌نیا، ق و مرادنژاد، ا. (۱۳۹۹). بررسی نقش واسطه‌ای جو عاطفی خانواده در رابطه میان تاب‌آوری و شادکامی در دانش‌آموزان، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۷(۲): ۳۳-۵۲. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6>
- فروغی دهنوی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه ساده و چندگانه بین عوامل خانوادگی و تاب‌آوری فرزندان دبیرستانی شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، ایران.
- صبری، م؛ فولادچنگ، م؛ محمدی دهقانی، م و گلزار، ح. (۱۳۹۳). رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری در دانش‌آموزان: نقش میانجی‌گری هوش هیجانی، *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۵(۱۸)، ۱۰۹-۱۲۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1393.5.18.7.3>
- محمودی، ن. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین و کارکرد خانواده با تاب‌آوری دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ایران.
- مهدوی مزده، م؛ حجازی، ا و نقش، ز. (۱۳۹۷). رابطه ادراک از سبک‌های والدینی با تاب‌آوری: نقش واسطه‌ای عاملیت انسانی، *فصلنامه روانشناسی*، ۲۲(۳): ۳۴۳-۳۲۶. <https://www.sid.ir/paper/54391/fa>
- میرزا محمدی، ز؛ محسن زاده، ف و عارفی، م. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های فرزند پروری و سرسختی روانشناختی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۳(۴): ۹۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6>
- نجفی، ا و زرغامی، ض. (۱۳۹۴). رابطه تاب‌آوری با الگوهای ارتباطی خانواده، *فصلنامه مطالعات افکار عمومی*، ۱۵: ۹۴-۱۰۹. <https://www.magiran.com/paper/1473444>
- نفر، ز و کریمی، ا. (۱۳۹۸). رابطه تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای با بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان، *نشریه روان‌شناسی*، ۸(۷): ۲۳۹-۲۴۶. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1398.8.7.25.3>
- هاشمی، ل، جوکار، ب. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۸(۱۳): ۱۲۳-۱۴۲. [https://jeps.usb.ac.ir/article\\_712.html](https://jeps.usb.ac.ir/article_712.html)
- Aldridge, J. M., McChesney, K., & Afari, E. (2020). Associations between school climate and student life satisfaction: resilience and bullying as mediating factors. *Learning Environments Research*, 23(1), 129-150. <https://doi.org/10.1007/s10984-019-09296-9>
- Andreou, E., Roussi-Vergou, C., Didaskalou, E., & Skrzypiec, G. (2020). School bullying, subjective well-being, and resilience. *Psychology in the Schools*, 27(8), 1193-1207. <https://doi.org/10.1002/pits.22409>
- Arif, I. (2017). Effectiveness of an Intervention Program in Fostering Academic Resilience of Students at Risk of Failure at Secondary School Level. *Bulletin of Education and Research*, 39(1), 251-264. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1210192>
- Bai, S., & Repetti, R. L. (2015). Short-term resilience processes in the family. *Family Relations*, 64(1), 108-119. <https://doi.org/10.1111/fare.12101>
- Booth, J. (2015). *Coping strategies and development of psychological resilience in outdoor education*. Unpublished honours thesis. University Canberra, Canberra, Australia. <https://doi.org/10.1007/BF03401002>

## A Qualitative Investigation of the Role of Family Interactions in the formation of Students' Resilience

- Davidson, J. R. (2008). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and anxiety*, 18(2), 76-82. <https://doi.org/10.1002/da.10113>
- Gray, T. (2019). Outdoor Learning and psychological resilience: Making today's students better prepared for tomorrow's world. *Curriculum Perspectives*, 39(1), 67-72. <https://doi.org/10.1007/s41297-019-00069-1>
- Guba, E.G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth Generation Evaluation*, Newbury park, CA: Sage. pp. 48-49.
- Heshmati, R. (2021). The effect of mindfulness-based intervention on social anxiety and resilience in female high school students (Persian). *Journal of School Psychology and Institutions*, 10(3):18-32. <https://doi.org/10.22098/JSP.2021.1340>
- Ishak, N. H. F. B., Yusoff, N. F. B. M., & Madihie, A. (2020). Resilience in mathematics, academic resilience, or mathematical resilience?: An overview. *Universal Journal of Educational Research*, 8(5). <https://doi.org/10.13189/ujer.2020.081905>
- Konaszewski, K., Niesiołędzka, M., & Surzykiewicz, J. (2021). Resilience and mental health among juveniles: role of strategies for coping with stress. *Health and quality of life outcomes*, 19(1), 1-12. <https://doi.org/10.1186/s12955-021-01701-3>
- Morrison, G. M., & Allen, M. R. (2007). Promoting Student Resilience in School Contexts. *Theory Into Practice*, 46(2), 162-169. <https://doi.org/10.1080/00405840701233172>
- Orozco Solis, M. G., Bravo-Andrade, H. R., Ruvalcaba Romero, N. A., & Alfaro-Beracoechea, L. N. (2021). Teen resilience: the role of school and family connectedness. *Revista de estudios e Investigación en Psicología y Educación*, 8(1), 20-36. <https://doi.org/10.17979/reipe.2021.8.1.7097>
- Poultney, R., & Forbes, D. (2020). A Whole-School Approach to Developing Resilience: Resources and Suggestions for New Zealand Schools. *Teachers and Curriculum*, 20(1), 43-50. <https://doi.org/10.15663/tandc.v20i1.351>
- Stewart, D., & Sun, J. (2004). How can we build resilience in primary school aged children? The importance of social support from adults and peers in family, school and community settings. *Asia Pacific Journal of Public Health*, 16(1\_suppl), 37-41. <https://doi.org/10.1177/101053950401600s10>
- Szlyk, H. S. (2020). Resilience Among Students at Risk of Dropout: Expanding Perspectives on Youth Suicidality in a Non-clinical Setting. *School Mental Health*, 12(3), 567-579. <https://doi.org/10.1007/s12310-020-09366-x>
- Thapar, A., Collishaw, S., Pine, D. S., & Thapar, A. K. (2012). Depression in adolescence. *The Lancet*, 379(9820), 1056-1067. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(11\)60871-4](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(11)60871-4)
- Theron, L. (2017). Adolescent Versus Adult Explanations of Resilience Enablers: A South African Study. *Youth & Society*, 52(1), 78-98. <https://doi.org/10.1177/0044118X17731032>
- Willig, C. (2013). *EBOOK: introducing qualitative research in psychology*. McGraw-hill education (UK).
- World Health Organization. (2016). *World health statistics 2016: monitoring health for the SDGs sustainable development goals*. World Health Organization. <https://www.who.int/publications-detail-redirect/9789241565264>